

موصولی‌سازی در زبان فارسی

آزاده میرزائی (استادیار دانشگاه علامه طباطبائی)

چکیده: امکان موصولی‌سازی در جایگاه‌های مختلف نخستین شاهدهی است که سلسله‌مراتب دسترسی را به دست داده است؛ بر این اساس، اگر زبانی تنها در یک جایگاه امکان موصولی‌سازی را فراهم کند، آن یک جایگاه قطعاً جایگاه فاعل است. پس از آن، مفعول صریح، مفعول غیرصریح، حالت غیرفاعلی، اضافی و متمم مقایسه در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. در پژوهش پیکره‌بنیاد حاضر شواهدی ارائه می‌شود که نشان می‌دهد، در زبان فارسی، موصولی‌سازی در جایگاه فعل‌یار نیز امکان‌پذیر است و، در مقابل، چنین امکانی در جایگاه مسند و تمیز ناممکن است. همچنین، در بررسی روند موصولی‌سازی و وضعیت آن در زبان فارسی، نشان می‌دهیم که درج ضمیر هم‌مرجع با هسته اسمی بند در جایگاه مفعول صریح کاملاً اختیاری نیست و گاه حذف آن به نادرستی شدن جمله می‌انجامد و در مقابل، در جایگاه مفعول غیرصریح، حذف ضمیر در برخی شرایط امکان‌پذیر است. در بیان شرایط موصولی‌سازی نیز نشان داده می‌شود که در زبان فارسی، «که»، موصول‌ساز، سازه اجباری غیرقابل حذف نیست.

کلیدواژه‌ها: موصولی‌سازی زبان فارسی، هسته بند موصولی، سلسله‌مراتب دسترسی، موصولی‌سازی در جایگاه غیرفاعلی.

۱ مقدمه

بندهای موصولی در یک تقسیم بندی کلی به دو گروه توصیفی^۱ و توضیحی^۲ تقسیم می شوند. در موصولی سازی توصیفی، هسته بند موصولی اسمی نامعین است و بند موصولی آن را توصیف و تعریف می کند؛ در مقابل، در موصولی سازی توضیحی، بند موصولی توضیحی بیشتر را بر اسمی معرفه و شناخته اضافه می کند.

(۱) مردی که دیدی برادر من است. (بند موصولی توصیفی)

(۲) خانم محمدی که ریاضی درس می دهد در این ساختمان زندگی می کند. (بند موصولی توضیحی)

زبان ها در بحث موصولی سازی از جهاتی با هم تفاوت دارند (KEENAN & COMRIE 1977; DOWNING 1978: 377-385). سه موضوع کلی که این تفاوت ها را رقم می زند عبارت اند از: (۱) جایگاه هسته اسمی نسبت به بند موصولی؛ (۲) وضعیت و صورت بندی اسم هم مرجع با هسته بند موصولی، در درون بند موصولی؛ (۳) عامل پیوند هسته بند موصولی با بند موصولی. جایگاه هسته اسمی بند، نسبت به بند موصولی، دو وضعیت کلی می تواند داشته باشد: (۱) هسته بند موصولی درون بند موصولی قرار گیرد؛ (۲) هسته بند موصولی خارج از آن باشد: (VAN RIEMSDIJK 2006: 338-339; KEENAN & COMRIE 1977: 65). وضعیت دوم، خود، دو حالت دارد: یکی اینکه هسته اسمی پیش از بند موصولی قرار بگیرد، مانند زبان فارسی و انگلیسی؛ دیگر آنکه هسته اسمی پس از بند موصولی بیاید، مانند زبان لیزگین^۳ (DRYER 2007: 97).

اسم هم مرجع با هسته بند موصولی به سه صورت می تواند در زبان بازنمایی داشته باشد:

الف) به صورت اسم کامل در داخل بند تکرار شود؛

ب) در قالب ضمیر ظاهر شود؛

ج) در داخل بند صورت بندی زبانی نداشته باشد.

از نظر نحوه ایجاد پیوند میان هسته اسمی بند و بند موصولی نیز در زبان های گوناگون،

1. restricted relative clause

2. unrestricted relative clause

3. Lezgian

سه وضعیت مختلف وجود دارد:

الف) ضمیر موصولی، که در ویژگی‌هایی چون جنس، شمار، حالت و مانند آن با هستهٔ بند موصولی مطابقت دارد، به عنوان پیونددهنده به کار رود؛

ب) موصولی‌سازِ عام (ادات) به عنوان پیونددهنده به کار رود، که بدون توجه به تصریف هستهٔ بند موصولی برای هر نوع اسمی با هر ویژگی صرفی یکسان باشد؛

ج) پیونددهنده‌ای میان آنها وجود نداشته باشد.

علاوه بر اینها، زبان‌ها از نظر امکان یا عدم امکان موصولی‌سازی در جایگاه‌های مختلف نیز می‌توانند با هم تفاوت داشته باشند. هر اسمی در هر نقش و جایگاهی می‌تواند با استفاده از بند موصولی توصیف شود؛ اما اسم هم‌مرجع با هستهٔ بند موصولی، در داخل بند موصولی، نمی‌تواند هر اسمی در هر نقشی و هر جایگاهی باشد. این اختلاف خود شاهدی را به دست داده است تا سلسله‌مراتب دسترسی^۱ از سوی کینن و کامری معرفی شود (KEENAN & COMRIE 1977: 66). بر اساس سلسله‌مراتب دسترسی ($SU > DO > IO > OBL >$) (GEN > OCOMP)، امکان موصولی‌سازی در زبان‌های مختلف فاعل را در رأس و، پس از آن، مفعول صریح و غیرصریح را قرار می‌دهد. این بدان معنی است که اگر در زبانی موصولی‌سازی در جایگاه مفعول صریح مجاز باشد، قطعاً در جایگاه فاعل هم این امکان وجود دارد؛ اما عکس این رابطه صحیح نیست و مثلاً اگر در جایگاه مفعول صریح موصولی‌سازی ممکن باشد، دلیلی نیست که در جایگاه مفعول غیرصریح نیز مجاز شود.

کینن و کامری، در بررسی رده‌شناختی خود در خصوص امکان موصولی‌سازی در زبان‌های مختلف، بیان می‌کنند که در زبان فارسی به هنگام موصولی‌سازی، در جایگاه فاعل، حذف ضمیر هم‌مرجع با هستهٔ بند موصولی اجباری؛ حذف یا درج آن، در جایگاه مفعول صریح، اختیاری؛ و در جایگاه غیرفاعلی^۲، درج ضمیر اجباری است (Idem 1979: 343). کرافت زبان فارسی را در زمرهٔ زبان‌هایی قرار می‌دهد که تنها موصولی‌سازی را در جایگاه فاعل و مفعول صریح مجاز می‌داند (Croft 2003: 148-149).

1. accessibility hierarchy

2. oblique

به لحاظ نحوه پیوند هسته اسمی و بند موصولی، در منابع مختلف، درج موصول ساز «که» اجباری در نظر گرفته شده است (← مشکوة الدینی ۱۳۸۸: ۲۳۷؛ ارژنگ ۱۳۸۷: ۲۰۵)، به نحوی که حذف آن جمله را نادرستی می کند.

در ادامه، با نگاهی کوتاه به ویژگی های ساخت موصولی در زبان فارسی، امکان موصولی سازی در جایگاه های مختلف، امکان حذف ضمیر هم مرجع با هسته بند موصولی در جایگاه های غیر فاعلی و امکان حذف پیونده موصول ساز را بررسی می کنیم. در مثال های داخل متن، هسته بند موصولی به صورت زیرخطدار و بند موصولی به صورت برجسته (سیاه) نمایش داده شده است. باید گفت که پژوهش حاضر مبتنی بر پیکره است و، از میان ساخت های موصولی موجود در پیکره مورد بررسی، بیش از هزار مورد از بندهای موصولی بررسی شده اند. علاوه بر پیکره مورد بررسی، برخی مثال ها از وب گردآوری شده اند که، در آن صورت، در کنار مثال مشخص می شود.

۲ امکانات مختلف موصولی سازی در زبان فارسی

۲-۱ موصولی سازی در جایگاه فاعل

موصولی سازی در جایگاه فاعل برای هر فعلی (لازم، متعدی یا ربطی) امکان پذیر است. در زبان فارسی، در موصولی سازی در جایگاه فاعل، اسم هم مرجع با هسته بند موصولی، در درون بند، صورت بندی زبانی ندارد و، به بیان دیگر، ضمیری در آن جایگاه باقی نمی ماند.

(۳) برقع پوشش آبی رنگی است که تمام بدن را می پوشاند...

در مثال فوق اسم هم مرجع با هسته بند موصولی در درون بند موصولی «که تمام بدن را می پوشاند» در جایگاه فاعل است و در جریان موصولی سازی صورت بندی زبانی اش را از دست می دهد. به بیان دیگر ضمیر ناگذاری در این نوع موصولی سازی اجباری است و باقی ماندن ضمیر در جای اسم هم مرجع با هسته، جمله را نادرستی می کند.

(۴) * برقع پوشش آبی رنگی است که آن تمام بدن را می پوشاند...

در دو مثال زیر، موصولی‌سازی در جایگاه فاعل فعل ربطی و فعل لازم انجام شده است و همانند مورد پیشین، پس از موصولی‌سازی، ضمیر باقی نمانده است.

(۵) هدیه دادن که هدیه‌دادن / آن یک صفت اخلاقی است در نروز خود را نشان می‌دهد...
(موصولی‌سازی در جایگاه فاعل فعل ربطی)

(۶) این درخشش شدیدی که در عکس‌های من دیده می‌شود از نور داخل بدن آنها است که بر روی بخش‌های خارجی بازتاب کرده است. (موصولی‌سازی در جایگاه فاعل فعل لازم)

۲-۲ موصولی‌سازی در جایگاه مفعول صریح

موصولی‌سازی در جایگاه مفعول صریح برای هر نوع از مفعول صریح امکان‌پذیر است، چه مفعول صریح تنها ظرفیت فعل باشد و چه با ظرفیت دیگری از فعل توصیف شود. به بیان دیگر، در جایگاه مفعولی که با تمیز توصیف می‌شود نیز می‌توان موصولی‌سازی انجام داد.

(۷) خیره شدم روی تکه نانی که برایم لقمه کردی.

در مثال فوق، اسم هم‌مرجع با هستهٔ بند موصولی، یعنی «تکه نان»، در درون بند در جایگاه مفعول است.

گفته می‌شود که، برخلاف موصولی‌سازی در جایگاه فاعل، وجود ضمیر هم‌مرجع با هستهٔ بند موصولی در درون بند، در جایگاه مفعول امکان‌پذیر است و اساساً حذف یا درج آن اختیاری است. کینن و کامری (KEENAN & COMRIE 1979: 343)؛ این ویژگی را تحت عنوان «اختیاری بودن درج ضمیر در فارسی» مطرح می‌کنند؛ اما بررسی پیکره‌بنیاد در زبان فارسی نشان می‌دهد که حذف یا درج ضمیر هم‌مرجع با هستهٔ بند، گاه، باعث نادستوری شدن یا ناپذیرفتنی بودن جمله می‌شود؛ برای نمونه، می‌توان به مثال (۸ - ب) اشاره کرد که در آن، با حذف ضمیر هم‌مرجع با هستهٔ بند در جایگاه مفعول صریح، جمله نادستوری شده است. بدین ترتیب، باید گفت در برخی موارد حذف این ضمیر را نمی‌توان کاملاً اختیاری دانست.

(۸) الف. هر یک از این دسته‌ها سردسته‌ای داشت که او را «استاد» می‌نامیدند. (وب)

ب. * هر یک از این دسته‌ها سردسته‌ای داشت که «استاد» می‌نامیدند.

برای نمونه‌های بیشتر می‌توان به مثال‌های (۹) تا (۱۱) اشاره کرد. در هر یک از این مثال‌ها، در نمونه ب، ضمیر هم‌مرجع با هسته بند در داخل بند (در جایگاه مفعول) حذف شده که به نادرستی شدن جمله انجامیده است.

(۹) الف. خواهرش بانو اعظم که همگان او را «بانو» می‌نامیدند نیز زنی مهربان و دوست‌داشتنی بود. (وب)

ب. * خواهرش بانو اعظم که همگان «بانو» می‌نامیدند نیز زنی مهربان و دوست‌داشتنی بود.

(۱۰) الف. در این هنگام مردی از بنی اسد که او را عبدالله بن بشر می‌نامیدند به پا خاست و گفت: ... (وب)

ب. * در این هنگام مردی از بنی اسد که عبدالله بن بشر می‌نامیدند به پا خاست و گفت: ...

(۱۱) الف. ... شهرستان میناب دومین شهر بزرگ استان هرمزگان که روزی آن را شهر پرآب می‌دانستند... (وب)

ب. * ... شهرستان میناب دومین شهر بزرگ استان هرمزگان که روزی شهر پرآب می‌دانستند...

از سوی دیگر، درج ضمیر هم‌مرجع با هسته بند در جایگاه مفعولی هم کاملاً اختیاری نیست؛ برای مثال، در جمله زیر، وجود ضمیر هم‌مرجع با هسته بند در داخل بند موصولی و در جایگاه مفعول سبب شده تا مثال‌های ب و ج کاملاً پذیرفتنی نباشند.

(۱۲) الف. طمع داخل کیسه‌ای که دوخته بود مخفی شد. / لباسی را که دوخته بود جلوی من گرفت و گفت...

ب.؟؟ طمع داخل کیسه‌ای که آن را دوخته بود مخفی شد.

ج.؟؟ طمع داخل کیسه‌ای که دوخته بودش مخفی شد.

۲-۳ موصولی‌سازی در جایگاه مفعول غیرصریح با گروه‌های حرف اضافه‌ای

متمم اسمی حرف اضافه، در گروه‌های حرف اضافه‌ای در جایگاه مفعول غیرصریح یا هر یک از متمم‌های دیگر فعل و حتی در جایگاه قید، امکان موصولی‌سازی دارند. به

عبارت دیگر، فارغ از نقشی که گروه حرف اضافه‌ای در رابطه با فعل ایفا می‌کند، متمم اسمی آن می‌تواند با موصولی‌سازی توصیف شود (متمم حرف اضافه «به»، «با»، «از»، «در» و...).

۱۳) مردی که به او کتابت را دادی برادر من است. (ساخته این نگارنده)

در جمله بالا، اسم هم‌مرجع با هسته بند موصولی (مردی) در جایگاه مفعول غیرصریح و متمم حرف اضافه «به» است و اکنون پس از موصولی‌سازی، در جای آن، ضمیری باقی مانده است.

به عنوان نمونه دیگر، در مثال (۱۴)، مرجع هسته بند موصولی (چیزها) در درون بند موصولی در جایگاه متمم حرف اضافه قرار دارد و کل گروه حرف اضافه‌ای به عنوان یکی از متمم‌های فعل ایفای نقش می‌کند:

۱۴) قانون جذب به ما می‌گوید که در زندگی به همان چیزهایی می‌رسیم که بر روی آنها تمرکز می‌کنیم.

چنان که از مثال‌های (۱۵) و (۱۶) و بسیاری موارد دیگر از موصولی‌سازی‌ها در جایگاه متمم حرف اضافه برمی‌آید، ظاهراً موصولی‌سازی در این موارد تنها با باقی ماندن ضمیری هم‌مرجع با هسته بند در کنار حرف اضافه ممکن است، به نحوی که، با حذف آن، جمله نادرستی می‌شود. کینن و کامری نیز، در بیان ویژگی‌های موصولی‌سازی در زبان فارسی، فقط جایگاه فاعل را جایگاهی می‌دانند که در آن درج نشدن ضمیر هم‌مرجع با هسته بند موصولی درون بند مجاز و البته الزامی است. کینن و کامری در زبان فارسی، برای موصولی‌سازی در جایگاه مفعول صریح درج ضمیر را اختیاری و در سایر موارد درج آن را اجباری دانسته‌اند (Idem 1977: 93).

۱۵) * مردی که به کتابت را دادی برادر من است.

۱۶) * قانون جذب به ما می‌گوید که در زندگی به همان چیزهایی می‌رسیم که بر روی آنها تمرکز می‌کنیم.

این مسئله به این دلیل است که، در زبان فارسی، مفعول غیرصریح به صورت مفعول حرف اضافه‌ای ظاهر می‌شود و امکان حضور حرف اضافه بدون متمم آن در جمله وجود ندارد و به همین سبب، چنانچه متمم اسمی حرف اضافه به دنبال موصولی‌سازی در ابتدای بند ظاهر شود، ضمیری هم‌مرجع با آن در کنار حرف اضافه ایفای نقش خواهد کرد. با این حال، وجود برخی شواهد حاصل از بررسی داده، حاکی از آن است که، در برخی شرایط، باقی‌نماندن ضمیر هم‌مرجع با هسته بند، در این‌گونه از موصولی‌سازی‌ها امکان‌پذیر است. به بیان دیگر، اگر شرایطی فراهم شود که حرف اضافه در بند تنها نماند، نیازی به ضمیرگذاری نیست. در این میان، یک امکان این است که، در جریان موصولی‌سازی، حرف اضافه نیز از بند حذف شود و با هسته بند در کنار هم قرار بگیرند؛ این مسئله سبب می‌شود تا پایه‌ای در درون بند باقی‌نماند که ضمیر جانشین هسته در کنار آن قرار گیرد. به دیگر سخن، در شرایطی درج ضمیر هم‌مرجع با هسته بند اجباری می‌شود که حرف اضافه، به عنوان میزبان پیشین اسم هم‌مرجع با هسته بند، در جمله تنها مانده باشد، که با حذف آن دیگر چنین محدودیتی باقی نمی‌ماند؛ اما حذف حرف اضافه از درون بند موصولی خود تابع شرایطی است.

حذف حرف اضافه همراه با متمم آن در جریان موصولی‌سازی در شرایطی امکان‌پذیر است که گروه حرف اضافه‌ای مذکور برای بند اصلی نیز نقشی ایفا کند.

(۱۷) از چیزی که می‌ترسیدم، دیگر نمی‌ترسم. (ساخته این نگارنده)

در مثال بالا، گروه حرف اضافه‌ای «از چیزی»، برای هر دو بند پایه و موصولی، در نقش متمم است و چنان‌که مشخص است، هسته بند موصولی، یعنی «چیزی»، در بند موصولی در جایگاه متمم حرف اضافه «از» قرار دارد، که خود متمم فعل است.

اگر شرط ایفای نقش هم‌زمان برای حرف اضافه مورد نظر رعایت نشود، جمله نادستوری می‌شود.

(۱۸) * از چیزی که می‌ترسیدم، دشواری کار است.

در جمله بالا، با موصولی‌سازی، هم «چیزی» و هم حرف اضافه میزبان آن در رأس بند

قرار گرفته‌اند، اما در این جمله، حرف اضافه «از» در بند اصلی نقشی ندارد و این سبب می‌شود که جمله نادرستی باشد.

البته عکس این حالت کاملاً دستوری است؛ یعنی اگر هسته بند موصولی در بند پایه، در جایگاه متمم حرف اضافه قرار گیرد، اما مرجع آن در درون بند در جایگاه فاعل یا مفعول باشد، جمله دستوری است.

(۱۹) از آدمی که به هیچی فکر نمی‌کنه می‌ترسم. (ساخته این نگارنده)

در جمله بالا، هسته بند موصولی متمم حرف اضافه «از» است، اما مرجع آن در بند در جایگاه فاعل است.

(۲۰) از آدمی که (آن آدم) به هیچی فکر نمی‌کنه می‌ترسم.

از موصولی سازی در جایگاه غیرفاعلی و درج نشدن ضمیر در جای آن می‌توان به برخی از مثال‌های موجود در پیکره مورد بررسی اشاره کرد، که برخی از آنها در زیر فهرست شده‌اند:

(۲۱) اگر به آنچه امر شده‌ای عمل نکنی، پروردگارت تو را عقوبت خواهد کرد.

(۲۲) با هر کسی که ملاقات می‌کنید، خوش و بش کنید.

(۲۳) به هر کسی می‌رسید، دست می‌داد.

(۲۴) از هر کسی خوشش نمی‌آمد، خرید نمی‌کرد.

(۲۵) به جایی که زمین خوردی، نگاه نکن؛ به جایی نگاه کن که پایت سُر خورده است.

۲-۴ موصولی سازی در جایگاه فعل یار / جزء اسمی فعل مرکب

در برخی از افعال مرکب زبان فارسی جزء غیرفعلی گروه اسمی است. در جایگاه فعل یار اسمی نیز امکان موصولی سازی وجود دارد.

(۲۶) طبق صحنه سازی ای که شده بود، دکتر دو تا سیلی توی گوش دختر می‌زند.

در مثال بالا، «صحنه سازی کردن» فعل مرکب است و «صحنه سازی» به عنوان هسته اسمی برای

بند موصولی «که شده بود» در درون بند در جایگاه فعل یار قرار می گیرد. این نوع موصولی سازی در زبان فارسی به فراوانی صورت می گیرد و می توان به تعدادی از نمونه های طبیعی آن اشاره کرد.

(۲۷) ... گاهاً متهم این قدر وضعش از شکنجه ای که شده بود خراب می شد که... (وب)

(۲۸) ... با ریزنی هایی که شده بود، این امیدواری بیش از پیش وجود داشت... (وب)

(۲۹) طبق پیش بینی که شده بود، چند دقیقه بعد که به توپخانه گزارش کرده بودند... (وب)

(۳۰) ... روزنامه نگار... به خاطر تصادفی که شده بود توی ترافیک گیر افتاده بود. (وب)

(۳۱) با تلاش هایی که شده بود، سر و سامانی به امور دادیم. (وب)

(۳۲) کل مجمع را، با وجود هزینه هایی که شده بود، بر هم زدند. (وب)

(۳۳) به دلیل پیشگویی که شده بود، برای شکست دادن هیولاها، فقط به یک فانی نیاز بود.

(وب)

در این نوع موصولی سازی، در جای فعل یار، در درون بند ضمیری باقی نمی ماند و درج چنین ضمیری جمله را نادستوری می کند.

(۳۴) * طبق صحنه سازی ای که آن شده بود/ شده بودش، دکتر دو تاسیلی توی گوش دختر می زند.

لازم به توضیح است که در افعال مرکب انضمامی، جزء غیر فعلی فعل مرکب می تواند از بخش فعلی جدا شود و، به بیانی دیگر، صورت غیر منضم را به دست دهد. در این شرایط نیز، در جایگاه جزء غیر منضم، می توان موصولی سازی انجام داد (مثال های ۳۵ تا ۳۹).

(۳۵) در عوض خدمتی که فاطمه به این زن مؤمن کرد، بهشت و نعمت های بهشتی اش را... مقرر بدارید. (خدمت کردن)

(۳۶) از مادر و پدرم تقدیر می کنم به خاطر تمام زحماتی که برایم می کشند. (زحمت کشیدن)

(۳۷) تقسیم قدرتی که مخالفان جانشینی علی (ع) در دوره حاکمیت خویش کردند نشان می دهد که آنها برای تصاحب حکومت زمینه چینی کرده بودند. (تقسیم قدرت کردن)

(۳۸) در گیر و دار جنگ تحمیلی بودیم، ولی همچنان در هر فرصتی که دست می داد سنگ نوردی می کردیم. (فرصت دست دادن)

(۳۹) از این حرف ها که می زنی دلم می شکند. (حرف زدن)

در این نوع موصولی سازی نیز هسته بند موصولی در داخل بند نباید بازنمایی داشته باشد و چنانچه ضمیری هم مرجع با هسته بند داخل بند موصولی قرار داده شود، جمله نادستوری می شود (مانند مثال های ۴۰ تا ۴۲).

(۴۰) * از این حرف هایی که می زنی اش دلم می شکند.

(۴۱) * در عوض خدمتی که فاطمه به این زن مؤمن کردش...

(۴۲) * از مادر و پدرم تقدیر می کنم به خاطر تمام زحماتی که برایم می کشندشان.

۲-۵ موصولی سازی در جایگاه اضافه به اسم / مضاف الیه

رابطه مالک و مملوک در زبان های مختلف به شکل های متفاوتی صورت بندی می شود. در زبان فارسی، مملوک با کسره اضافه به مالک اضافه می شود. امکان موصولی سازی در زبان فارسی در جایگاه اضافه (مملوک) وجود دارد و سبب می شود تا ضمیری هم مرجع با هسته بند، در درون بند و متصل به مضاف، باقی بماند.

(۴۳) هرگز مصدومی را که احتمال آسیب دیدگی ستون فقرات او وجود دارد جابه جا نکنید.

(۴۴) هرگز مصدومی را که احتمال آسیب دیدگی ستون فقراتش وجود دارد جابه جا نکنید.

باقی نماندن ضمیر در جای اصلی هسته بند به نادستوری شدن جمله می انجامد.

(۴۵) * هرگز مصدومی را که احتمال آسیب دیدگی ستون فقرات وجود دارد جابه جا نکنید.

در مثال (۴۳) و (۴۴)، در داخل بند، در جایگاه هسته بند موصولی، ضمیری هم مرجع با آن باقی مانده است. در مثال (۴۵)، با حذف ضمیر هم مرجع با هسته بند، جمله نادستوری شده است. برای مثال، بیشتر می توان به نمونه زیر اشاره کرد:

(۴۶) این نسبت در افرادی که سنشان از ۴۰ سال می گذرد به طور معنی داری بیشتر می شود.

۲-۶ موصولی سازی در جایگاه متمم مقایسه

موصولی سازی در جایگاه متمم مقایسه، نوعی موصولی سازی در جایگاه متمم حرف اضافه است که پیش از این درباره آن صحبت کردیم. در جایگاه متمم حرف اضافه در هر نقشی، شامل مفعول غیر صریح، حالت غیرفاعلی، قیدی و در اینجا در جایگاه متمم مقایسه می توان موصولی سازی انجام داد.

(۴۷) دختری که مریم در این درس از اضعیف تر است تصمیم دارد با مریم ریاضی کار کند.

۲-۷ موصولی سازی در جایگاه مضاف

مضاف بودن یک نقش ثانویه است. به بیان دیگر، هر اسمی در وهله اول در درون جمله نقشی را ایفا می کند و سپس در ارتباط با توصیفگرهایش تعریف می شود. مضاف در جایگاه هایی که پیش تر شرح دادیم قرار می گیرد و در آن جایگاه ها امکان موصولی سازی را هم مجاز می داند، اما در ارتباط با نقش دومش، یعنی در ارتباط با مضاف الیه اش امکان موصولی سازی را مجاز نمی داند.

- در کلاس را تازه رنگ کردند.

(۴۸) * دری که آن کلاس را تازه رنگ کردند....

(۴۹) * دری که کلاس را تازه رنگ کردند....

(۵۰) دری که تازه رنگ کردند....

(۵۱) کلاسی که درش را تازه رنگ کردند....

دو مثال (۴۸) و (۴۹) موصولی سازی در جای مضاف را نشان می دهد که خوش ساخت نیستند، در مقابل، جمله (۵۰) موصولی سازی در جایگاه مفعول و حذف مضاف الیه و جمله (۵۱) موصولی سازی در جایگاه مضاف الیه را نشان می دهند که هر دو دستوری اند. لازم به ذکر است که اگر اسمی با مضاف الیه توصیف شده باشد و بخواهیم در آن جایگاه موصولی سازی کنیم، کل گروه اسمی در رأس بند قرار می گیرد. مثال (۵۲) گواه این مدعاست.

(۵۲) در کلاسی که تازه رنگ کردند، شکسته است. (ساخته این نگارنده)

۲-۸ موصولی سازی در جایگاه مسند و تمیز

از میان بیش از هزار ساخت موصولی که در این پژوهش بررسی شد، هیچ موردی که در آن موصولی سازی در جایگاه مسند یا تمیز صورت گرفته باشد دیده نشد.

(۵۳) این گلوله‌ها در واقع تخم مرغ هستند. (ساخته این نگارنده)

(۵۴) * تخم مرغ‌هایی که در واقع این گلوله‌ها هستند، ترک خورده‌اند.

این نکته را نباید فراموش کرد که، در ساخت‌های اسنادی، گاه فاعل و مسند اسمی امکان جابه‌جایی دارند. در این شرایط، شاید تصور شود که امکان موصولی سازی در جایگاه مسند وجود دارد، اما نباید از نظر دور داشت که این امکان به خاطر امکان جابه‌جایی مسند و فاعل است. در این شرایط، مسند جایش را با فاعل عوض می‌کند و بعد، در جایگاه فاعل، موصولی سازی صورت می‌پذیرد. به این ترتیب، اگر بخواهیم بند موصولی‌ای بسازیم که اسم هم‌مرجع با هسته بند موصولی در آن بند در جایگاه فاعل باشد، جمله دستوری خواهد بود، مانند جمله (۵۶)؛ در این جمله، «رود نیجر» به عنوان هسته بند موصولی، در داخل بند موصولی نظیری دارد که در جای فاعل است. اما اگر بخواهیم بند موصولی‌ای بسازیم که اسم هم‌مرجع با هسته بند موصولی، در آن بند، در جایگاه مسند باشد جمله نادستوری خواهد بود، مانند جمله (۵۴)؛ در این جمله «تخم مرغ» به عنوان هسته بند موصولی در داخل بند موصولی نظیری دارد که در جای مسند است. این در حالی است که اگر مسند و فاعل جای خود را با هم عوض کنند، می‌توان در جای فاعل موصولی سازی انجام داد؛ یعنی در مثال (۵۷)، اسم هم‌مرجع با «سومین رودخانه بزرگ آفریقا»، به عنوان هسته بند موصولی در داخل بند در جایگاه فاعل است و نباید تصور کرد که جایگاه مسند است. در واقع، اگر بر اساس آهنگ و توزیع اطلاع جمله را بررسی کنم، خواهیم دید که موصولی سازی در جمله (۵۷) در جایگاه فاعل است، نه مسند.

(۵۵) رود نیجر سومین رودخانه بزرگ آفریقا است.

(۵۶) رود نیجر که سومین رودخانه بزرگ آفریقا است، را هرگز ندیده‌ام.

(۵۷) سومین رودخانه بزرگ آفریقا که رود نیجر است، را هرگز ندیده‌ام.

به نظر می‌رسد نوع توزیع اطلاع در جایگاه مسند و تمیز به گونه‌ای است که به سبب آن موصولی سازی با محدودیت روبه‌رو می‌شود. علت و شرایط این بحث و تبیین عدم امکان موصولی سازی در این دو جایگاه پژوهش و بررسی‌های دیگری را می‌طلبد، اما عجلتاً در توضیح چنین مسئله‌ای باید گفت موصولی سازی همانند مبتداسازی عمل می‌کند. همان‌گونه که فاعل در رأس سلسله‌مراتب روابط دستوری بهترین گزینه برای مبتدا بودن است (دبیرمقدم ۱۳۸۴: ۱۲۸)، برای موصولی سازی نیز در بالاترین جایگاه روابط دستوری قرار می‌گیرد. پس از آن، مفعول صریح گزینه بعدی است. همان‌گونه که در مبتداسازی امکان درج ضمیر در جای مفعول اختیاری است و در متمم حرف اضافه اجباری، در موصولی سازی نیز چنین است. هر سازه‌ای می‌تواند مبتدا شود، همان‌طور که در مورد موصولی سازی چنین امکانی هست؛ اما اگر سازه‌ای مبتدا شود — در مفهوم بی‌نشان مبتدا — دیگر نمی‌تواند اطلاع نو باشد و این با اصل وجودی تمیز و مسند در تناقض است. چون تمیز و مسند اطلاع نوبی هستند که ویژگی‌ای را به فاعل یا مفعول که به صورت پیش‌فرض بهترین گزینه برای مبتدا بودن به شمار می‌روند نسبت می‌دهند. در بحث پیشاینده سازی نیز به نظر می‌رسد که پیشاینده سازی تمیز و مسند تنها در شرایطی مجاز است که همچنان، پس از جابه‌جایی، کانون تقابلی یا کانون اطلاعی برجسته جمله باشند و، بدین ترتیب، همچنان اطلاع نو جمله محسوب شوند. از همین رو، جملات (۵۸) و (۵۹) در صورتی که به طور برجسته و، در عین حال، در مفهوم اطلاع نو خوانده شوند صحیح خواهند بود.

(۵۸) با ارزش‌ترین تابلوی نقاشی جهان هنرشناسان این تابلو را در شمار آورده‌اند.

(۵۹) نماد نیکی آنها خورشید را می‌دانستند.

در توضیح باید گفت که دو مثال (۵۸) و (۵۹) نمونه‌های ساخته نگارنده از دو مثال (۶۰) و

(۶۱) است، که بر لزوم نو بودن سازه اشاره می کند.

(۶۰) هنرشناسان این تابلو را با ارزش ترین تابلوی نقاشی جهان در شمار آورده اند.

(۶۱) آنها خورشید را نماد نیکی می دانستند... .

همانند وضعیت موصولی سازی در جایگاه مسند، موصولی سازی در جایگاه تمیز نیز جمله را نادرستی می کند. داده های بررسی شده در این پژوهش، هیچ کدام موصولی سازی در جایگاه تمیز را تأیید نمی کنند. برای این منظور، مثال ساختگی به قرار زیر را می توان بررسی کرد. در مثال (۶۳)، «دایی» هسته بند موصولی ای شده است که اسم نظیر آن، در بند، در جایگاه تمیز قرار دارد. چنان که این مثال نشان می دهد، چنین موصولی سازی ای جمله را نادرستی می کند.

(۶۲) بچه ها او را دایی صدا می زدند. (وب)

(۶۳) * دایی ای که بچه ها او را صدا می زدند معلم است.

۹-۲ موصولی سازی در جایگاه قید

اسم در نقش قید زمان، مکان، روش، تکرار، مقدار، حالت و مانند آن می تواند با بند موصولی توصیف شود. در این نوع موصولی سازی، باقی ماندن ضمیر هم مرجع با هسته بند، در درون بند، امکان پذیر نیست.

جدول ۱: انواع هسته های اسمی که در جایگاه قیدی موصولی سازی می شوند

زمان	وقت/ای	روز	تکرار	بار	حالت	گونه
	زمان/ای	صبح		دفعه		طور/ جور
	موقع/ای	اکنون/ اینک		مرتبه		چنان/ چنین/ سان
	هنگام/ای	حال	مقدار	چند	مکان	جا
	لحظه/ای	گاه/ گه		قدر		
	فرصت/ای	مادام		اندازه/ قدری		
	شب			چه/ هر چه		

۶۴) روزی که خدا رنگ‌ها را آفرید همه‌پرسی کرد.

در جمله بالا «روزی» برای داخل بند موصولی و بند اصلی قید زمان است. باید گفت که هسته بند موصولی در این شرایط ممکن است، برای بند اصلی، در جایگاه متممی قرار داشته باشد و فقط در درون بند موصولی نقش قیدی داشته باشد.

۶۵) می‌دانم که روزی می‌رسد که سرت را روی پاهایم می‌گذاری و من گیسوانت را شانه خواهم کرد.

در جمله بالا «روزی»، در درون بند، در جایگاه قید زمان و، برای بند اصلی، در جایگاه فاعل جمله است.

۶۶) هر روز که به انتخابات پارلمانی کشور نزدیک‌تر می‌شویم، دغدغه‌ها و نگرانی‌های تازه‌ای قامت می‌افزایند.

در مثال (۶۶)، «هر روز»، به عنوان هسته بند موصولی، هم درون بند و هم در بند پایه نقش افزوده‌ای دارد.

۳ ویژگی‌های موصولی‌سازی در زبان فارسی

۱-۳ جایگاه هسته بند موصولی نسبت به بند موصولی
زبان فارسی (همچون دیگر زبان‌های ایرانی) در موصولی‌سازی هسته‌آغازی است (دبیرمقدم ۱۳۹۲)؛ یعنی هسته بند موصولی پیش از بند موصولی قرار می‌گیرد.

۲-۳ بازنمایی هسته بند موصولی در درون بند موصولی

اسم هم‌مرجع با هسته بند موصولی در داخل بند، بسته به جایگاهی که دارد، ممکن است الزاماً بدون صورت‌بندی زبانی باشد، الزاماً به شکل ضمیر به نمایش درآید، و یا در شرایطی هر دو حالت را مجاز بداند. کینن و کامری درباره زبان فارسی بر این باورند که به هنگام موصولی‌سازی، حذف ضمیر هم‌مرجع با هسته بند موصولی، در جایگاه فاعل، اجباری؛ حذف یا درج آن، در جایگاه مفعول صریح، اختیاری؛ و درج ضمیر، در جایگاه غیرفاعلی،

اجباری است (KEENAN & COMRIE 1979: 343).

مشاهدات پیکره‌بنیاد این پژوهش نشان داد که، در هنگام موصولی‌سازی در جایگاه فاعل و فعل‌یار، حذف اسم یا ضمیر هم‌مرجع با هستهٔ بند در داخل بند الزامی است؛ در موصولی‌سازی در جایگاه مفعول صریح، درج یا حذف آن تابع برخی شرایط است و نمی‌توان آن را کاملاً اختیاری دانست؛ در جایگاه متمم حرف اضافه، برخلاف نظر موجود، درج ضمیر یا اسم هم‌مرجع با هستهٔ بند در داخل بند لزوماً اجباری نیست و در شرایطی قابل حذف است و در جایگاه مضاف‌الیه و متمم مقایسه درج آن الزامی است.

۳-۳ حذف «که» موصول‌ساز

با آنکه، طبق تعریف، گفته می‌شود که حذف «که» موصول‌ساز جمله را نادرستی می‌کند (مشکوٰۃ‌الدینی ۱۳۸۸: ۲۳۷؛ ارژنگ ۱۳۸۷: ۲۰۵)، اما می‌توان به مواردی اشاره کرد که، در آن، این حذف امکان‌پذیر و به‌جاست.

(۶۷) مردی که دیدی معلم من است. (ساختهٔ این نگارنده)

(۶۸) * مردی دیدی معلم من است.

در مثال (۶۸)، با حذف «که» جمله نادرستی شده است، اما در جمله (۶۹)، با وجود حذف «که» موصول‌ساز، جمله همچنان دستوری است. به نظر می‌رسد «هر» در جمله (۶۹) نقشی همانند نقش «که» موصول‌ساز دارد و در مواردی که حضور داشته باشد، می‌تواند به لحاظ نقشی جایگزین «که» شود.

(۶۹) به هر کسی می‌رسید، دست می‌داد.

برای مثال بیشتر می‌توان به جمله‌های (۷۰) تا (۷۴) اشاره کرد:

(۷۰) از هر کسی خوشش نمی‌آمد، خرید نمی‌کرد.

(۷۱) بازگو کردن آنچه در سینه نهفته‌اید می‌تواند کمک‌کننده باشد.

(۷۲) انسان‌ها درباره آنچه نخواهند پذیرند مدام جدل می‌کنند.

(۷۳) نویسنده از آنچه مدعی بود بی‌خبر نبود.

(۷۴) هر کتابی می‌دیدم می‌خریدم. (وب)

۴ نتیجه‌گیری

در این پژوهش نشان داده شد که، در زبان فارسی، در موصولی‌سازی در جایگاه متمم حرف اضافه نیز این امکان وجود دارد که اسم هم‌مرجع با هسته بند موصولی در داخل بند صورت‌بندی زبانی نداشته باشد و، به بیان دیگر، حذف ضمیر در آن جایگاه تحت شرایطی مجاز است. علاوه بر این، حذف یا درج ضمیر، در جایگاه مفعول صریح، کاملاً اختیاری نیست و گاه حذف آن سبب می‌شود که جمله نادستوری شود. همچنین نشان دادیم که پیوند میان هسته بند موصولی و خود بند گاه با حضور «که» موصول‌ساز و گاه بدون هیچ پیوندهای صورت می‌گیرد و حضور «که» موصول‌ساز از الزامات موصولی‌سازی نیست. نیز نشان داده شد که موصولی‌سازی در زبان فارسی در هر جایگاهی، به جز در جایگاه مضاف، مسند و تمیز امکان‌پذیر است. در همین راستا، امکان موصولی‌سازی در جایگاه فعل‌یار معرفی شد.

منابع

- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۸۷)، دستور زبان فارسی امروز، تهران: قطره.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴)، پژوهش‌های زبان‌شناختی (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ (۱۳۹۲)، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، تهران: سمت.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۸)، دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی، تهران: سمت.
- Croft, W. (2003), *Typology and Universals*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Downing, B. T. (1978), "Some Universals of Relative Clause Structure", *Universals of Human Language*, 4, pp. 375-418.
- Dryer, M. S. (2007), "Word Order", *Language Typology and Syntactic Description*, 1, pp. 61-131.
- Lehmann, C. (1986), "On the Typology of Relative Clauses", *Linguistics*, vol. 24, issue 4, pp. 663-680.

- KEENAN, E. and B. COMRIE (1977), "Noun Phrase Accessibility and Universal Grammar", *Linguistic Inquiry*, vol. 8, No. 1, pp. 63-99
- (1979), "Data on the Noun Phrase Accessibility Hierarchy", *Language*, 55(2), pp. 333-351.
- VAN RIEMSDIJK, H. (2006), "Free Relatives", *The Blackwell Companion to Syntax*, pp. 338-382.

منابع مثالها

پیکره دادگان نحوی زبان فارسی (۱۳۹۱): <http://search.dadegan.ir>.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی